

# چهاروجه



## ایران‌شناسی

نوشتن و انتشار آثار در مطبوعات، به خودی خود فعالیت و تجربه‌ی شیرینی است. این فعالیت اگر با کار در آموزش و پرورش و قلم زدن در نشریات ویژه‌ی تعلیم و تربیت همراه شود، شیرینی و حلاوت کار را ده چندان می‌کند و تجربه‌های فراوانی فراروی آدمی قرار می‌دهد که بسیار آموزنده و به‌کاربستگی است. در طول سال‌های معلمی و نیز فعالیت‌های مطبوعاتی‌ام، با انسان‌های فرهیخته و صاحب‌نظری برخورد داشته‌ام که هر یک معدنی از تجربه‌ها و دنیایی از دیدگاه‌های نو بوده‌اند. با بسیاری از این انسان‌ها، به‌طور منفرد دیدارها و گفت‌وگوهایی داشته‌ام و از خرمن دانش و تجربه‌هایشان درس‌ها گرفته‌ام. در چند روز گذشته که در فکر نگارش یادداشت سردبیر شماره‌ی ۶ بودم، در تصادفی شایسته، فرصتی پدید آمد تا با سه تن از این انسان‌ها، که هر سه به نوعی حق استادی بر گردن من دارند و در واقع همواره آن‌ها هستند که مرا شرمند می‌کنند، دیدار کنم؛ سه انسان، با سه تجربه‌ی منحصر به فرد که تجربه‌ی هر یک به‌طور مستقل ارزشمند است. وقتی دو تن از این سه را به یکدیگر معرفی می‌کردم و از تجربه‌ها و کارهایشان سخن می‌گفتم، ناگهان جرقه‌ای در ذهنم شعله‌ور گشت که به نگارش این یادداشت انجامید؛ یادداشتی که هرچند در آستانه‌ی فرارسیدن نوروز و تعطیلات در پی آن مناسبی بسیار شایسته دارد، ولی در هر صورت سخنی است که می‌تواند مورد تأمل برنامه‌ریزان آموزش و پرورش، به‌ویژه در حوزه‌ی

فعالیت‌های پرورشی قرار گیرد.

می‌خواهم از تجربه‌های سه انسان با تجربه - که در سطور پایانی این یادداشت فرد چهارمی را هم به مجموعه اضافه خواهم کرد - سخن بگویم و در پایان چهار تجربه را باهم بیوند بزنم.

**علی محمد بخشوده**، استاد بزرگوارم در مرکز تربیت معلم شهید بهشتی مشهد در سال ۶۰، نخستین کسی است که از او می‌گویم. او پس از سال‌ها تدریس و تحقیق در آموزش و پرورش و کسوت استادی معلمان، اکنون دوازده سالی است که بازنشسته شده است. استاد در سال‌های پس از بازنشستگی، به غیر از تحقیق و تألیف، به کاری روی آورده است که بسیار جالب و جذاب است. آقای بخشوده سال‌ها مدرس زمین‌شناسی و نیز متخصص گیاه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد بوده است. وی، اکنون با تشکیل اردوهای یک تا سه‌روزه برای دبیران علوم و دانش‌آموزان مدرسه‌هایی که متقاضی استفاده از اردوهای وی باشند، تخصص و تجربه‌ی خود را به سادگی در اختیار دیگران می‌گذارد. با مسئولان برخی از مدرسه‌هایی که استاد، مجری اردوهای زمین‌شناسی و گیاه‌شناسی آن‌ها بوده است، صحبت کرده‌ام. این دوستان می‌گویند، پس از اردوها، نگرش دانش‌آموزان و معلمان ما به طبیعت ایران و نیز شناخت آن‌ها از نعمت‌های خداوند و شگفتی‌های آفرینش، چند برابر می‌شود. آقای بخشوده، برای دبیران برخی مناطق و شهرستان‌ها نیز اردوهای خاص علمی برپا می‌کند. قبراقی، سرزندگی و روحیه‌ی جوانی این معلم پیر در آستانه‌ی ۸۰ سالگی، بسیار قابل توجه است.

دومین فردی که از او سخن می‌گویم، استاد **حمید دهقان** است. او دقیقاً پنج سال قبل از زمانی که من به دنیا بیایم، کار حرفه‌ای در مطبوعات را آغاز کرده است و پس از سال‌ها قلم زدن در حوزه‌های گوناگون، از آغاز دهه‌ی ۷۰، به‌طور اختصاصی فقط در مورد میراث فرهنگی و گردشگری مطلب می‌نویسد. لابد برخی از نوشته‌های او را سال‌های گذشته در رشد جوان و امسال در رشد آموزش ابتدایی دیده‌اید. آقای دهقان، علاوه بر ۷۰ کشور جهان، گوشه گوشه‌ی ایران را هم گشته است. او در کنار نوشته‌های خود، آرشو منحصر به فردی از عکس‌های مکان‌های گردشگری و میراث فرهنگی ایران دارد که در نوع خود دیدنی است. وی، علاوه بر ارائه‌ی مشاوره به برخی گروه‌های ایرانگرد، چند وقتی است حوزه‌ای را فعال کرده است که در آموزش و پرورش کشورمان، اقدامی نوآورانه تلقی می‌شود. آقای دهقان، با اطلاعات زیاد گردشگری و شناخت خوبی که از میراث فرهنگی کشورمان دارد، به برخی از مدرسه‌های تهران پیشنهاد کرده است، اردوهای کوتاه‌مدت چندروزه‌ی شناخت جاذبه‌های گردشگری ایران را با حضور توأمان دانش‌آموزان، پدران، مادران و معلمان برگزار کنند. او این اردوها را حتی در مدرسه‌ی نوه‌ی خود تا سطح پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها توسعه داده است (لابد برای این که از لذت سفر گروهی نوه و هم‌کلاسی‌هایش، او هم بهره بگیرد).

درست است که مشابه این اردوها سال‌هاست توسط مدرسه‌ها و ادارات آموزش و پرورش ما انجام می‌گیرد، ولی افزودن اولیا و نیز راهنمای حاذق گردشگری و میراث فرهنگی، اردوهای جدید را در مسیری هدفمند قرار

داده است. آقای دهقان هم، با وجود سن بالا، قبراق و سرزنده است.

دوست سوم - که بنا به دلایلی از من خواست فعلاً نامش را نبرم و لاجرم از دادن اطلاعات بیشتر درباره‌ی وی هم معذور خواهم بود - شیفته‌ی ادبیات این مرز و بوم است و خود از فعالان حوزه‌ی شعر و ادبیات و معلمی بازنشسته. او علاوه بر کارهای مطبوعاتی و تدریس، گاه گاهی نیز در جمع دانش‌آموزان حاضر می‌شود و سخن‌رانی می‌کند. من عنوان سخن‌رانی‌های او را گذاشتم: گردشگری در حوزه‌ی شعر، ادب و فرهنگ. وقتی این دوست عزیز، فقط دو ساعت در جمع دانش‌آموزان حاضر می‌شود و با آن‌ها به گپ و گفت می‌پردازد، آن چنان شور و شوق و علاقه به ادبیات جدید و قدیم ایران در میان بچه‌ها ایجاد می‌شود که حد و حصری ندارد. در یک کلام می‌توانم بگویم، اگر می‌خواهید جان کودکان را با آتش شعر و ادبیات گرما ببخشید، دارویش حاضر ساختن آن‌ها در جمعی است که استادی مثل این دوست در آن جا شرف حضور داشته باشد.

و اما فرد چهارم. گفتم که او در آن جمع سه نفره حاضر نبود، ولی سال‌هاست با او همراهم: دکتر **ناصر کرمی**؛ اقلیم‌شناس، طبیعت‌گرد ایرانی و داستان‌نویس. او دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی جغرافیاست و علاوه بر کار کارشناسی در حوزه‌ی اکوتوریسم (طبیعت‌گردی) و نیز فعالیت مطبوعاتی در این زمینه، همواره آواره‌ی کوه‌ها و دشت‌ها و جنگل‌های ایران است؛ آواره‌ای که عاشقانه در ایران می‌گردد و کتاب ارزشمند «ایران‌یاب» حاصل این گشت‌وگذارهاست. درست است که ناصر کرمی، هنوز به کاری که مد نظر من است، روی نیاورده، ولی یکی از چهار وجه مربع مدنظرم است.

فکر می‌کنم متوجه شده باشید می‌خواهم چه بگویم. این چهار دوست، چهار نماد و چهار آغازگرند که خود می‌توانند طراحان و معلم‌های طرح موردنظر من باشند، ولی قطعاً کار باید با کسان دیگر و بیشتری دنبال شود.

اگر می‌خواهیم دانش‌آموزانی به تمام معنا عاشق ایران تربیت کنیم، یکی از کارهای پرورشی و فوق‌برنامه‌ی فراروی ما می‌تواند، طراحی اردوهای چندروزه‌ی ایران‌شناسی با حضور دانش‌آموزان، پدران و مادران، معلمان و کارشناسان اردویی همراه باشد. در این اردوها، دانش‌آموزان را در مسیری مشخص به حرکت درمی‌آوریم. در این مسیر، آن‌ها را با جاذبه‌های گردشگری و میراث فرهنگی ایران آشنا می‌کنیم، برایشان از ویژگی‌های زمین، خاک، گیاهان و جانورانش سخن می‌گوییم، طبیعت منطقه و جاذبه‌های اکوتوریسم (ماهی‌گیری، قایق‌رانی، کوه‌نوردی و...) آن‌جا را برایشان شرح می‌دهیم و آن‌ها را درگیر همین فعالیت‌ها می‌کنیم و در فرصت‌هایی که به استراحت می‌پردازند، از ادبیات، شعر، فرهنگ و هنر کشورمان حرف می‌زنیم. به نظر می‌رسد تاکنون شاهد چنین اردوهای هدفمندی نبوده‌ایم.

عید در راه است و فرصت برای برپایی این‌گونه اردوها بسیار کم. ولی به قول طراحان، می‌توان پایلوت یا نمونه‌ی کوچکی از آن را با مطالعه‌ی قبلی و مشخص کردن مسیری ساده و کوتاه، با حضور اعضای خانواده‌ی خود و اگر میسر شد چند خانواده‌ی همراه، به اجرا درآورد. بی‌شک در این راه، آموزگاران همانند همیشه آغازگر خواهند بود؛ لطفاً ایرانگردی را آغاز کنید.

سر دبیر